

سنت‌های الهی، فرمول‌ها و قواعد ریاضی حاکم بر خلقت‌اند

سنت‌های الهی چیستند و چه نقشی در زندگی ما دارند؟

جهانی را تصور کنید که همه‌چیز در آن تصادفی و آلابختگی باشد و از هیچ قاعده و نظم خاصی پیروی نکند. مثلاً خورشید هر موقع دلش خواست طلوع کند، زمین با سرعتی متغیر به دور خورشید بچرخد، ضربان قلب شما مرتب تند و کند شود و هر چه قدر آب می‌نوشید تشنه‌تر شوید! به نظر شما زندگی در چنین جهانی چگونه خواهد بود؟ البته اگر آن موقع، چیزی به نام زندگی وجود داشته باشد!

باعث خوشحالی است که اعلام کنیم جهان فانتزی بالا فقط زائیده ذهن ماست و در واقعیت هیچ چیز بی‌حساب و کتابی وجود ندارد. همه‌چیز در عالم هستی از فرمول، قاعده و ریاضیات خاصی پیروی می‌کند. این قواعد از ابتدای خلقت به همین شکل بوده و تا آخرین روز حیات بر روی این کره خاکی نیز به همین شکل خواهد بود؛ چون جهان توسط یک ریاضی‌دان ماهر خلق شده، که از همان ابتدا حساب و کتاب همه‌چیز را کرده و تمام اجزای این سیستم پیچیده را با هم و با ساختار نفس ما هماهنگ کرده است. به این قواعد دقیق ریاضی که بر همه ابعاد زندگی ما حاکمند «**سنت‌های الهی**» می‌گویند.

- سنت‌های الهی چیستند و چه نقشی در زندگی ما دارند؟
- آیا این سنت‌ها تنها محدود به قواعد فیزیکی و مادی‌اند، یا عالم متافیزیک را هم دربرمی‌گیرند؟
- چه رابطه‌ای بین احکام دین و سنت‌های الهی وجود دارد؟

سنت‌های الهی قواعد ریاضی حاکم بر خلقت‌اند

اغلب ما خاطره‌خوشی از درس ریاضی نداریم و ریاضیات را مُشتی از مفاهیم و فرمول‌های سخت و ناکارآمد می‌دانیم که معلوم نیست، به چه دردی می‌خورند، اما جالب این‌جاست که همان لحظه که به ناکارآمدی ریاضیات فکر می‌کنیم، خودمان هم به‌طور ناخودآگاه در حال استفاده از ریاضیات هستیم! ما کلمات را با توجه به ریاضیاتی که دارند، انتخاب می‌کنیم. نورون‌های مغزی ما با فرمول‌های دقیق ریاضی کار می‌کنند و از همه مهم‌تر، نفس ما که عامل حیات جسمانی و منشأ تفکرات ماست، ساختار کاملاً ریاضی دارد.

البته ریاضی بودن عالم خلقت گسترده‌تر از مفاهیمی مثل مشتق و انتگرال و ... است. **ساختار ریاضی خلقت به این معناست که هر چیزی در جهان حدود، اندازه و نتیجه مشخصی دارد.** به‌طور مثال یخ در مجاورت آتش ذوب می‌شود، اگر نمک را در آب بریزیم حل می‌شود، اگر آب حرارت ببیند تبخیر می‌شود و... این قوانین فیزیکی از ابتدای خلقت جهان به همین شکل بوده‌اند و تا روزی که حیات در کره زمین وجود دارد، به همین شکل خواهند بود. در واقع این‌ها اصولی ثابت و تخلف‌ناپذیرند، که بر اساس فرمول‌های دقیقی شکل گرفته‌اند و در همه نقاط کره زمین نتیجه‌ای یکسان دارند. فرمول‌های حاکم بر عالم ماده آن‌قدر دقیق و تخلف‌ناپذیرند که دانشمندان می‌توانند نتیجه آن‌ها را کشف و پیش‌بینی کنند و با استفاده از آن‌ها به تکنولوژی‌های فوق‌پیشرفته دست پیدا کنند. مثلاً می‌توانند موشکی بسازند، که مسافت‌های بسیار طولانی را طی کرده و در ثانیه‌ای مشخص بدون کوچک‌ترین تخلفی به مختصات جغرافیایی موردنظرشان اصابت کند، یا مثلاً می‌توانند رفتار اتم‌ها در یک واکنش شیمیایی را تشخیص دهند و با تکیه بر خواص اتم‌ها و مولکول‌ها ترکیبات شیمیایی مختلفی بسازند. اگر این قوانین غیرقابل پیش‌بینی بودند، دیگر هیچ علمی به‌وجود نمی‌آمد. آن‌موقع پزشک نمی‌توانست حتی یک کپسول تجویز کند؛ چون ممکن بود خواص کپسول و واکنش بدن بیمار از امروز تا فردا زمین تا آسمان تغییر کند.

نه فقط فیزیک و شیمی و زیست‌شناسی، بلکه کلمات هم ریاضیات خاص خود را دارند. شاید در مورد تأثیر کلمات بر روی تغییر شکل قطرات آب چیزهایی شنیده باشید. کلمات بر روی روح و روان ما نیز چنین اثراتی دارند، یک کلمه توهین‌آمیز

اعصاب ما را به هم می‌ریزد، اما یک کلمه عاشقانه حال دلمان را خوب می‌کند. این اثرات متفاوت در حالی اتفاق می‌افتد، که هردوی این کلمات از حروف ثابتی ساخته شده‌اند.

سنت‌های الهی در عالم متافیزیک

سنت‌های الهی تنها محدود به عالم ماده نیستند، بلکه بر عالم متافیزیک هم حاکمند و اصولاً در جهان چیزی خارج از سنت‌های الهی وجود ندارد، مثلاً یکی از سنت‌های الهی در عالم متافیزیک افزایش رزق و روزی در اثر انفاق است، بر اساس حساب و کتاب‌های مادی کسی که دارایی‌اش را انفاق می‌کند، طبیعتاً باید فقیرتر شود، اما ثروت‌مندتر می‌شود؛ چون خداوند سازوکار عالم متافیزیک را این‌گونه طراحی کرده است. برعکس این حالت هم وجود دارد؛ کسی که اموال زیادی را از راه حرام جمع‌آوری می‌کند، به‌جای آن که خوشبخت‌تر و شادتر شود، روزبه‌روز افسرده‌تر و ناآرام‌تر می‌شود و برکت از زندگی‌اش می‌رود. زیرا نظام آفرینش این‌گونه طراحی شده است و این یکی دیگر از سنت‌های الهی و قواعد ریاضی حاکم بر خلقت است. خیلی از ما ریاضیات عالم ماده را قبول داریم، اما ریاضیات عالم متافیزیک را نه؛ به‌همین دلیل اگر از ما بپرسند «دو دوتا، چندتا می‌شود؟» در کسری از ثانیه پاسخ می‌دهیم «چهارتا»، اما اگر بگویند مقداری از دارایی‌ات را انفاق کن تا ثروتمند شوی، مدت‌ها طول می‌کشد تا دست در جیب‌مان کنیم! درحالی‌که انفاق هم همان حساب دو دوتا چهار تاست، اما چون به‌طور نامحسوس اتفاق می‌افتد، باور کردنش برای ما سخت است. این حقیقت که صدقه بلاها را دفع می‌کند، [بین‌الطوعین](#) رزق را افزایش می‌دهد، دعا در حق دیگران بیش از دعا در حق خود اثر دارد و... مفاهیم انتزاعی و غیرواقعی نیستند. این‌ها فرمول‌های دقیق ریاضی و دو دوتا چهارتا‌های عالم هستند، که چه باورشان داشته باشیم و چه نداشته باشیم، چه رعایت‌شان بکنیم و چه نکنیم، بر زندگی ما حاکمند.

مثال‌های متعددی از سنت‌های الهی حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی ما وجود دارد، که در آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به آن‌ها اشاره شده است. سنت قضا و قدر، ابتلاء، امداد، عصمت، توفیق، سبقت رحمت خدا بر غضب او، تأثیر اعمال انسان‌ها بر زندگی آن‌ها، امتحانات الهی و... نمونه‌هایی از ده‌ها سنتی هستند، که ما در زندگی روزمره دائماً با آن‌ها سروکار داریم.

احکام دین چیزی به جز ریاضیات نیستند

درک قوانین و سنت‌های الهی در عالم ماده برای همه ما کار آسانی است و اصلاً جای سؤال و چون و چرا ندارد. مثلاً ما هیچ‌گاه از یک داروساز نمی‌پرسیم که چرا برای تولید فلان دارو مواد شیمیایی را با دقتی در حد میلی‌گرم یا کم‌تر اندازه‌گیری می‌کند؛ چون می‌دانیم اگر درصد یک ماده در یک داروی خاص از حد مجاز کم‌تر یا بیش‌تر باشد، دارو بی‌اثر یا سمی می‌شود. هم‌چنین هیچ‌گاه از یک مهندس طراح نمی‌پرسیم که چرا برای طراحی یک قطعه مکانیکی اندازه آن را با دقتی در حد میلی‌متر محاسبه می‌کند؛ چون می‌دانیم که اگر اندازه این قطعه فقط کمی بیش‌تر یا کم‌تر از حد استاندارد باشد، با بقیه قطعات جفت‌وجور نمی‌شود و کل دستگاه را از کار می‌اندازد، اما نوبت به قوانین متافیزیک که می‌رسد، همیشه پر از شبهه و سؤالیم. مثلاً همیشه برای‌مان سؤال است، که مشخص بودن چند تار موی خانم‌ها چه اشکالی دارد و به کجای دنیا برمی‌خورد؟ چرا نمی‌توانیم با لاک و ناخن مصنوعی نماز بخوانیم؟ اگر سگ را تمیز بشوییم و ضدعفونی کنیم، چرا باز هم نجس است؟ و سؤالاتی از این قبیل.

علت این سوء تفاهم‌ها درباره احکام دین این است که ما ریاضی بودن عالم خلقت را فقط در محدوده قوانین «فیزیکی» باور داریم و برای‌مان سخت است که فرمول‌های عالم «متافیزیک» را باور کنیم؛ در حالی که خالق عالم ماده، خالق عالم متافیزیک

هم هست و بنابراین، کل نظام آفرینش از قوانین ثابتی پیروی می‌کند. رعایت حدود و اندازه‌ها به همان اندازه که در نظام مادی مؤثر است، در نظام معنوی هم مؤثر است، حتی اگر نتیجه رعایت این حدود فعلاً برای ما ملموس و قابل رؤیت نباشد. رساله احکام را که باز کنیم چیزی به جز عدد، اندازه و فرمول نمی‌بینیم. در واقع رساله بیش از آن که کتابی مذهبی باشد یک کتاب ریاضی است، که بر اساس ساختار خود حقیقی و برای زندگی ابدی ما طراحی شده است. کار مراجع تقلید هم این است که ریاضیات کتاب خود را از خدا و نمایندگان رسمی او یعنی اهل بیت (علیهم‌السلام) استخراج کرده و در اختیار ما قرار می‌دهند. احکام موجود در رساله در اصل فرمول‌ها و اندازه‌هایی هستند، که خداوند ریاضیات نفس ما را متناسب با آن‌ها طراحی کرده است و رعایت نکردن آن‌ها، مثل ساختن قطعه نامتقارنی است که با بقیه اجزای یک دستگاه جفت‌وجور نمی‌شود؛ یا تولید دارویی، که تناسب اندازه‌ها در مواد شیمیایی آن رعایت نشده است.

در درس‌های بعدی درباره سنت‌های الهی، ساختار ریاضی نفس و قوانین ریاضی حاکم بر خلقت بیشتر صحبت خواهیم کرد.